

وضعیت اسلام و مسلمانان در ژاپن

بر اساس مستندات تاریخی اسلام در ژاپن تاریخی صد ساله دارد. مسجد کب (Kobe) در 1935 ساخته شده است. با این حال تعداد مسلمانان تا قبل از دهه 1980 اندک بود. در نیمه این دهه و با ورود جوانان مسلمان از کشورهای پاکستان، بنگلادش، و ایران برای کار در کارخانه ها و یا تجارت بر تعداد مسلمانان این کشور به سرعت افزوده شد. اما با شروع بحث بر سر کارگران غیر قانونی خارجی، دولت ژاپن ورود کوتاه مدت شهروندان پاکستان، بنگلادش، و ایران را متوقف ساخت. به دنبال سقوط اقتصاد ژاپن در 1990 تعدادی از مسلمانان با ازدواج با زنان این کشور اقامت قانونی گرفتند. گزارش دقیقی از پیوستگی مذهبی افراد خارجی مقیم ژاپن وجود ندارد، اما تعداد تقریبی مسلمانان را از افرادی که از کشورهای اسلامی آمده اند میتوان تخمین زد. می گویند تعداد مسلمانان در سال 2000، 63552 نفر بوده. اکنون بسیاری از آنها تشکیل خانواده داده اند. آنها با ژاپنی ها زندگی و کار می کنند و فرزندان شان را به مدارس ژاپنی می فرستند. در طول این سال ها زندگی خود را به ساختار زندگی یک مسلمان در آورده اند. مسجد یوکوهاما در بخش یوکوهاما زوزوکی به وسعت 200 مترمربع هر جمعه شاهد نمازجماعت حدود 70 نفر از مسلمانان کشورهای افریقایی و آسیایی و جاهای دیگر است. در حال حاضر در ژاپن بین 30 تا 40 مسجد یک طبقه وجود دارد. به این رقم باید حدود 100 اتاق آپارتمان و بلکه بیشتر را افزود که به علت نبود امکانات مناسب تر، برای اقامه نماز اختصاص یافته است. در ناگویا مسلمانان خارجی

که شغل اکثر آنان معامله اتوموبیل های دست دوم است با کمک یکدیگر یک ساختمان لباس فروشی را خریداری کرده و آن را به مسجد تبدیل نمودند که در پاییز گذشته افتتاح شد. در محله آیچی (Aichi) با صدای مؤذن بیش از 300 نفر برای اقامه نماز به مسجد محله می آیند که بیش از نیمی از آنها از اندونزی هستند و در کارخانه های تولید قطعات یدکی اتوموبیل یا کارخانه های دیگر مشغول به کارند. این کارگران در برنامه سه ساله ای که از اوایل دهه 1990 برای آموزش حدود 5000 متقاضی خارجی تدارک دیده شده شرکت کرده اند. در این دوره ها یک سال دوره آموزشی و دو سال دوره تجربی پیش بینی شده است. از نظر تعداد اندونزی ها بعد از چینی ها دومین کشور شرکت کننده در این دوره ها می باشند.

در ژاپن بر خلاف کشورهای اسلامی کار و نماز به هم نیامیخته اند. از این رو مسلمانان در اقامه نماز در محل کار با مشکلاتی مواجهند. بعضی از مؤمنین شیفت های شب را برای کار بر میگزینند تا بتوانند به موقع نماز بخوانند.

در مسجد ابینا (ebina) در محله کاناگاوا (kanagava) حدود ده تا از بچه های ده ساله به یادگیری زبان عربی مشغولند. هر روز از ساعت 4 تا 8 بعد از ظهر کلاسهای قرآن هم برپاست که به اصرار پاکستانی ها و بنگلادشی ها دایر شده است. تدریس کلاس ها را والدین خودشان بر عهده دارند. نصر عبدالله از هند که یک فروشگاه خواروبار آسیایی را در بخش شین جو کو (Shinjuku) می چرخاند تصمیم دارد یک مدرسه اسلامی دایر نماید و توضیح می دهد که مسلمانان خارجی که در ژاپن زندگی می کنند برای آموزش فرزندان شان مشکلات زیادی دارند و حتی در مواردی پدر می خواهد فرزندش را برای تعلیم به وطنش بفرستد که معمولاً با مخالفت همسر ژاپنی مواجه می شود. بعضی از ازدواجها بر سر این

مسئله به طلاق می‌انجامد. همسر ژاپنی نصرالله شش فرزندشان را به مدت دو سال به مالزی برد تا از مدارس اسلامی بهره ببرند.

در ژاپن حتی یک مدرسه ابتدایی یا متوسطه برای مسلمانان وجود ندارد. مسجد اتسوکا (otsuka) در بخش توشیما (toshima) مصمم است که خود را به عنوان یک واحد آموزشی به ثبت برساند و یک مدرسه اسلامی دایر نماید اما در حال حاضر تنها فعالیتها که میتواند انجام دهد به عنوان مرکز مراقبت های روزانه است که به صورت رسمی هم نیست. در حال حاضر هفت مسجد متعلق به جماعت تبلیغ پاکستان در ژاپن وجود دارد. ارتباط بین مسلمانان خارجی که در ژاپن زندگی میکنند با ژاپنی ها خیلی محدود است و بیشتر به محل کار محدود میشود. ژاپنی ها در برخورد با مسلمانان آنها را افرادی ثابت قدم می‌یابند که سرنوشت خود را به اراده خدا محول ساخته اند. همین احساس موجب شده است که برخی از ژاپنی ها ایمان بیاورند.

اگر چه آمار دقیقی از تعداد مسلمانان در دست نیست، اما مسلمانان کشورهای اندونزی، پاکستان، و بنگلادش با رقمی بین 70000 تا 100000 اکثریت آنها را تشکیل می‌دهند. تخمین زده میشود تعداد مسلمانان ژاپنی الاصل تا به هزاران نفر برسد. انجمن مسلمانان ژاپن از ثبت نام هایی که شده تخمین می‌زند که رقمی حدود 7000 تا 10000 مسلمان ژاپنی وجود دارد که بیشترین آنها را زنانی تشکیل می‌دهند که بعد از ازدواج با پاکستانی ها و بنگلادشی هایی که در دهه 1980 برای کار به ژاپن آمده اند، به اسلام گرویده اند.

با وجود آنکه مسلمانان کثیری در کشورهای آسیایی زندگی میکنند ژاپنیها احساس میکنند که اسلام از آنها فاصله بسیار دارد. اما ملت ژاپن اهل تسامح است از این رو براحتی و به صورت

مسالمت آمیز با گروه های مختلف دینی زندگی کنند. البته هر روز بر تعداد مسلمانان در ژاپن افزوده می شود. آنها به عنوان تاجر، مهندس کامپیوتر، و متخصص به این کشور روی می آورند.^{2*}

همانگونه که ذکر شد اسلام در ژاپن تاریخی نه چندان دیرینه دارد. پیش از باز شدن درهای این کشور در 1853 تنها چند مورد پراکنده ارتباط بین اسلام و ژاپن مشاهده می شود، هر چند برخی مسلمانان قرن ها پیش از آن به ناگاساکی (Nagasaki) آمده بودند.

اولین مسلمانان عصر حاضر در ژاپن از مالایی های بودند که در اواخر قرن نوزده بر روی ناو های انگلیسی و هلندی خدمت می کردند. در اواخر دهه 1870 زندگانی حضرت محمد (ص) به زبان ژاپنی ترجمه شد و موجب شد اسلام در ذهن روشنفکران ژاپنی جایگاهی بیابد.

ارتباط مهم دیگر در 1890 بود. در این سال حکومت ترک عثمانی به منظور شروع روابط دیپلماتیک و معرفی مسلمانان و ژاپنی ها به یکدیگر و همینطور تکریم دیدار چند سال قبل شاهزاده ژاپنی akihito komatsu از استانبول یک کشتی بزرگ به ژاپن اعزام کرد. این کشتی که ارتوگرو (ertugrul) نامیده می شد در طوفان سواحل واکایاما (wakayama) نابود شد و 540 نفر از 609 سرنشین آن غرق شدند.

اولین ژاپنی که به حج رفت kataro yamaoka بود. او در 1909 به اسلام گروید و بعد از حج نام عمر یامائوکا را برگزید.

Bunpachiro ariga دیگر ژاپنی بود که در همین دوران برای تجارت به هند رفت و متاثر از مسلمانان آنجا مسلمان شد و نام احمد آریگا را

انتخاب کرد. مطالعات اخیر نشان می دهد که دو ژاپنی به نام های shotaro noda و torajiro yamada به منظور ابراز همدردی با درگذشتگان ارتوگروول به ترکیه رفتند. یامادا به اسلام گروید و نام عبدالخلیل را بر خود گذاشت و احتمالاً به سفر حج هم رفت.

به هرحال زندگی جمعی مسلمانان با ورود چند صد ترکمن، ازبک، تاجیک، قرقیز، قزاق و دیگر مسلمانان ترک و تاتار که از آسیای مرکزی و روسیه در جنگ جهانی اول و در آغاز انقلاب بلشویک ها به ژاپن پناهنده شدند شروع شد. این مسلمانان پناهنده در چند شهر مهم ژاپن اقامت گزیدند و اولین جوامع کوچک مسلمان را تشکیل دادند. تعدادی از ژاپنی ها با ارتباط با این مسلمانان، به اسلام گرویدند.

با تشکیل این جوامع کوچک چند مسجد هم بنا گردید که مهمترین آنها مسجد کب (kobe) بود که در سال 1935 ساخته شد. مسجد دیگر مسجد توکیو بود که در 1938 بنا گردید. (این مسجد در دهه 1990 کاملاً بازسازی شد). باید به این نکته توجه کرد که ژاپنی ها در ساخت این مساجد نقشی نداشته اند و تا کنون هیچ ژاپنی امامت مسجدی را بر عهده نداشته است.

در جنگ جهانی دوم هم یک حرکت دیگر از طریق سازمان ها و مراکز تحقیقاتی در باره جهان اسلام و مسلمانان روی داد. در این دوره در ژاپن بیش از 100 کتاب و مجله در باره اسلام منتشر شد. البته این سازمان ها و مراکز تحقیقاتی را مسلمانان اداره نمی کردند و هدف آنها هم تبلیغ برای اسلام نبود. هدف آن بود که نظامیان به اطلاعات لازم درباره اسلام و مسلمانان مجهز شوند زیرا در مناطق زیادی در چین و جنوب شرقی آسیا که به تصرف ژاپنی ها در آمده بود جوامع بزرگ مسلمان زندگی می کردند.

با پایان یافتن جنگ در 1945 این سازمان ها و مراکز تحقیقاتی هم ناپدید شدند.

پیش از جنگ ژاپن به طرفداری از مسلمانان آسیای مرکزی، و متحد آن ها در مقابله با شوروی معروف بود. در آن ایام بعضی از ژاپنی ها که در مراکز جاسوسی کار می‌کردند با مسلمانان در ارتباط بودند. بر اثر این ارتباط برخی به اسلام گرویدند بعضی از ژاپنی ها هم به عنوان سرباز به کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله مالزی رفتند و مسلمان شدند. به خلبانان ژاپنی آموزش داده بودند که در صورت دستگیر شدن در سرزمین های اسلامی بگویند "لا اله الا الله"، تا در امان باشند. می گویند که خدبانی هم واقعا مورد اصابت قرار گرفت و با ذکر این کلمات الهی از مرگ نجات یافت.

تجاوز ژاپنی ها به چین و جنوب شرقی آسیا در جنگ جهانی دوم موجب شد که آنان در ارتباط با مسلمانان قرار گیرند. این ژاپنی ها که به اسلام گرویدند در بازگشت به کشورشان اولین سازمان مسلمانان ژاپن را تحت عنوان "انجمن مسلمانان ژاپن" تشکیل دادند. رهبری این تشکیلات را مرحوم صدیق ایمایزومی (Sadiq Imaizumi) به عهده داشت. در زمان افتتاح، تعداد مسلمانان به 65 نفر می رسید. این رقم تا زمان درگذشت صدیق یعنی شش سال بعد به دو برابر رسید.

دومین رئیس انجمن، مرحوم عمر میتا (Mita) بود که نمونه ای از نسل قدیم به شمار می‌آمد. او اسلام را از سرزمین های تحت اشغال امپراطوری ژاپن فراگرفت. وی برای شرکت راه آهن منشو (manshu)، که بر قلمرو ژاپنی ها در استان شمال شرقی چین در آن زمان نظارت داشت کار می‌کرد. او از طریق ارتباط با مسلمانان چینی در پکن مسلمان شد. بعد از جنگ و با

بازگشت به ژاپن او اولین ژاپنی در دوران بعد از جنگ بود که به حج رفت. وی اولین قرآن را از دید يك مسلمان به زبان ژاپنی ترجمه کرد.

بنابر این، بعد از جنگ جهانی دوم بود که برای اولین بار چیزی به نام جامعه مسلمانان ژاپن به وجود آمد.

در دهه 1970 و به دنبال بحران نفت حرکت دیگر اسلامی در ژاپن به وجود آمد. با ملاحظه ذخایر نفت خاورمیانه و اهمیت اقتصادی آن برای اقتصاد ژاپن، وسایل ارتباط جمعی ژاپن به معرفی جهان اسلام پرداختند. بدین ترتیب بسیاری از ژاپنی ها فرصت یافتند مراسم حج را مشاهده کنند و صدای اذان و صوت قرآن را بشنوند. هزاران نفر به صورت گروهی یا تک تک به اسلام گرویدند.

از آنجا که در آمارگیری ژاپن دین افراد پرسیده نمی شود رقم قابل اعتمادی در مورد تعداد مسلمانان وجود ندارد. رقم 100000 نفر هم برای تعداد مسلمانان ذکر می شود که البته اغراق آمیز به نظر می رسد. تخمین زده می شود تعداد مسلمانان به حدود 60000 تا 70000 نفر برسد که 10 % آنها را ژاپنی ها و 90 % را ساکنین خارجی تشکیل می دهند. در حال حاضر اندونزیایی ها، بنگلادشی ها، پاکستانی ها و ایرانیان بزرگترین جوامع خارجی مسلمان را تشکیل می دهند.^{3*}

مسلمانان ترکیه، مالزی، و چند کشور افریقایی هم بخش دیگری از این جمع را تشکیل می دهند. وجود ملیت های مختلف مسلمانان در جامعه ای که در طول تاریخ به یکدست بودن خود افتخار می کند چشم گیر است.

حدود 80 % کل جمعیت 120 میلیونی ژاپن به بودیسم یا شینتوئیسم اعتقاد دارند. تنها يك میلیون نفر برابر با هفت دهم درصد مسیحی هستند. بسیاری از آن ها از طبقه متوسط و محافظ فکری

هستند . و حتي وزير فرهنگ فعلي يك نويسنده مسيحي است. بنا بر اين نفوذ مسيحيان بسيار بيشتري از قدرت عددي آن هاست. گسترش مسيحيت به دو عامل تاثير پذيري از غرب و تاريخ طولاني پانصد ساله حضور در اين کشور مرتبط است. به هر حال مسيحيت در ژاپن بسيار مورد احترام است حتي در ميان غير پيروان آن.

بنا بر تحقيقات انجام شده توسط ماهنامه اي در ژاپن، تنها يك نفر از هر چهار نفر ژاپني واقعا به ديني اعتقاد دارند. فقدان ايمان در جوانان بيست ساله ژاپني آشكارتر است و نسبت منكران خدا در بين آنان به 85 % مي‌رسد.

دانشجويان مسلمان و كارگران مهاجر بخش اعظم مسلمانان ژاپن را تشكيل مي‌دهند و اين در حالي است كه نسبت مسلمانان خود به رقم بسيار كوچك يكي از هر صد هزار نفر مي‌رسد. مسلمانان در اطراف شهرهاي بزرگي هم چون هيروشيما، كيوتو، ناگويا، ازاکا، و توکيو تمرکز يافته اند.

مسلمانان در ژاپن با مشكلاتي از قبيل مسكن، آموزش فرزندان، تغذيه حلال، و ارتباطات روبرويند. به خاطر توزيع ضعيف حتي ترجمه مفاهيم قرآن كريم در دسترس عموم نيست. كتاب هاي اسلامي در كتابفروشي ها و كتابخانه ها يافت نمي‌شود. چند مقاله و كتاب موجود هم به قيمت هاي گزاف به فروش مي‌رسد.^{2*}

با توجه به آنكه ژاپني ها صد در صد با سوادند اين فقدان اطلاعات جاي تامل دارد. با آنكه بنا بر روايتي در کشور ژاپن 25 مسجد دائمي، حدود 200 مسجد موقت و بيش از 100 تشكيلات اسلامي وجود دارد ولي هر يك تنها چند عضو فعال دارند.^{4*}

1- نویسنده: کاواکامی یاسونوری (kawakami yasunoni)
نویسنده ارشد آساهی (asahi shimbun)
منبع: asahi shimbun ، 4 می 2007 و سایت
اینترنتی japan focus در تاریخ 30 می 2007

-2 http://en.wikipedia.org/wiki/islam_in_japan

-3

http://dailytimes.com.pk/default.asp?page=story_1...2007/06/25